به نام خدا

- شریف... Sharif

- پاس بده... pass the ball

- گلللل... Goal

- حسن... حواست کجاست...؟ باختیم پول نوشابه را خودت میدیا...

Hasan... where is your attention...? If we lose the bet, you will pay for the drinks yourself...

- شریف... Sharif

- با تو وفا...(شعر ایرانی)

- شریف داره میره قبر بکنه...

Sharif is gonna dig a grave

- چه خبره امید...

what's going on Omid?

- شریف داره میره قبر بکنه...

Sharif is gonna dig a grave

- کاش زبون داشت(لال نبود) تا می تونستیم ازش بپرسیم داره قبر کیو میکنه...

I wish he wasn't mute so we could ask him whose grave he is digging.

- بذار قبر را بکنه ببینیم اندازه کیه...

let him dig the grave, then we will know whose size is it

- خدا مرگم بده... قبر بچه کنده...

Oh my god…its kids size

- حالا از کجا معلوم از ده ما باشه...

How are you so sure it's from our village

- معلومه از همین جاست...! پس فکر کردی از اهالی مهرآباد میخوان بیارن اینجا خاک کنن...اونها خودشون قبرستون دارن...

- خدا را چه دیدی شاید این دفعه کسی نمرد...

- تا جایی که ما یادمونه تو این چند سال هر وقت شریف قبر کنده فرداش یکی افتاده مرده...

- عباس آقا میگفت این دفعه نوبت یه مادر و بچه است...

- مگه همین پارسال که قبر مادر علی آهنگر را کنده بود قبلش همه نمیگفتن قبر یه مرده...؟

- این دفعه فرق داره قبرها به هم چسبیدن آقا اسماعیل میگفت همه تو مسجد میگفتن قبر یه مادر و بچه است...

- شما هم رفتی خونه به آقا اسماعیل بگو همه زنها گفتن قبر یه پدر و بچه است معلومه مردها دلشون نمیخواد یکی از خودشون بمیره...

- اون از پارسال که قبر پدرم را کند...این هم از امسال که داره قبر یه بچه را میکنه...

- این شریف کی میمیره ما از شرش خلاص بشیم...

- دخترم مرگ حقه...! این آقا شریف چه باشه چه نباشه از تقدیر خدا نمیشه فرار کرد... خداا را چه دیدی شاید فردا نوبت من باشه... کسی چه میدونه...؟!

- این چه حرفیه میزنی بی بی جون... خدا ان شاالله 150 سال عمر با عزت بهت بده...

- إ... به پیرها که میرسه 150 سال عمر کنن...! به مادر و بچه که میرسه مرگ حقه...؟!

- دخترم شما از حرفش ناراحت نشو...

- نسرین تو چرا به خودت گرفتی...؟ حالا که چیزی نشده...! خدا ایشالا به تو بچه هات هم عمر با عزت میده...

- ببین بی بی از من به دل نگیر ولی شما دیگه عمر خودت را کردی... از تو این جمع اگه قراره کسی بره بهتره شما باشی...! شما چه میفهمی بچه از دست دادن یعنی چی ...؟! به خدا حسین بچه خواهرم پارسال تصادف کرد خواهرم هنوز آدم نشده...

- این چه حرفیه داری میزنی...؟! زشته آخه...!

- این چرا این جوری کرد...؟!

- از تهران...؟!

- آره مگه آیه نازل شده که از ده خودمون باشه(مگه حتما باید از ده خودمون باشه)...؟! ایشالا یکی از همین پایتخت نشینهاست... چیزی که اونجا زیاده آدمه...

- راست میگه پارسال پسر همایون هم که تو تهران مرده بود آوردن اینجا خاکش کردن...!

- این قدر حرف مفت نزن مراد...!

- از دهات خودمون نباشه که بهتره...!

- فردا قراره دخترم و بچه هاش از تهران بیان دهات...

- من جای تو بودم میگفتم فعلا نیان...

- راست میگه بگو چند روز صبر کنن بعدا بیان...

- اگه این جوری میشد جلوی مرگ و میر را گرفت که الان قبرستون پر آدم نبود...

- کی این شریف میمیره که یه جماعتی از دستش خلاص بشن...؟!

- به اون زبون بسته چه کار داری...؟ اون که آزاری نداره برای یه لقمه نون یه سره تو خونه مردم کار میکنه...

- این چه بساطیه راه انداخته...؟! سی ساله این بابا هر وقت قبر میکنه دل تو دلمون نیست... والا آدم بی خبر بمیره راحتتره...

- سلام پسرم...(به معنای عزیزم نه پسر واقعی)... برات قیمه پختم...

- سلام علیکم حاج خانوم...

- علیک سلام پسرم...

- برید به شریف بگید رفیقش برگشته...

- برو بگو شریف بیاد...

- بابا... بابا...

- شریف... شریف... شریف... شریف...

- شریف... شهید محمد باقر خدامی

پایان